

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و چهارم

زمستان ۱۳۹۹

بررسی علل تحول مراسم آیینی و سوگواری شهر مشهد در دوره قاجار

تاریخ تأیید: ۹۹/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۵

- ۱ علی روحانی قوچانی
 ۲ شهرزاد ساسان پور
 ۳ حسین آبادیان
 ۴ منیره کاظمی راشد

مؤلفه دین و مذهب، همواره نقش عمده‌ای در زیر ساخت فکری جامعه ایرانی داشته است و تأثیر مستقیم آن در بیشتر تحولات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه چشمگیر است. از این رو در طول تاریخ، حکومت‌ها توجه خاصی به مذهب و مراسم آیینی داشته‌اند. در دوره قاجار در کنار تداوم شکل برگزاری مراسم مذهبی و آیینی، یک نوع تحول هم در آنها صورت گرفت. ایالت خراسان و به ویژه شهر مشهد به سبب موقعیت خاص خود، یکی از مراکز اصلی این تحول بود. مقاله پیش رو با روش وصفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که مراسم آیینی و سوگواری در مشهد به عنوان مهم‌ترین شهر

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر: (aseman_84r89@yahoo.com).
 ۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول): (Sh-sasanpour@yahoo.com).
 ۳. استاد گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، واحد قزوین: (hoabadian@yahoo.com).
 ۴. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر: (Kazemirashed@yahoo.com).

مذهبی ایران به چه میزان تحت تأثیر عوامل مختلف، به ویژه رویکرد سیاسی حاکمان قاجار و عوامل اجرایی آن دچار تحول شد؟

کلیدواژگان: مراسم آیینی، مراسم سوگواری، عصر قاجار، خراسان، مشهد.

۱. مقدمه

نقش حکومت آل بویه (۴۴۸-۳۲۲ ه.ق.) در ترویج و تعمیق فرهنگ شیعه و شکل‌گیری مراسم مذهبی تشیع غیر قابل انکار است.^۱ با وجود آن که در دوران حکومت‌هایی مانند سلجوقیان (۵۹۰-۴۲۹ ه.ق.) به دلیل تعصبات مذهبی، چالش‌های فرهنگی زیادی برای تشیع ایجاد گردید.^۲ بعدها با حمایت برخی حکومت‌ها و خاندان‌های محلی و در سایه گرایش‌های شیعی حاکمان، مراسم مذهبی شکل کامل‌تری یافت تا جایی که با تغییر و تحولات بسیار عمیق سیاسی و فرهنگی که در دوران صفویه (۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق.) در ایران رخ داد، زمینه برای رشد و تکوین مناسک و شعائر مذهبی تشیع در بیشتر شهرهای ایران فراهم گردید.^۳

به‌طور کلی، با توجه به ظرفیت عظیم مراسم آیینی و سوگواری، چند نوع مواجهه مشخص سیاسی در میان حکومت‌های ایرانی با این مراسم وجود داشت. برخی از حکومت‌ها به مقابله آشکار برخاستند. بعضی دیگر، زیرکانه و با دوراندیشی به جای تعارض

۱. ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۱۲، ص ۵۰۸۵، ج ۷، ص ۷؛ ابن جوزی، المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک، ص ۲۸۹-۳۱۱.

۲. ابن تغری، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۳، ص ۲۳.

۳. روملو، احسن التواریخ، ص ۲۴۹؛ منشی، عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۲۴۷؛ واله اصفهانی، خلدبرین، ص ۴۳۳.

مستقیم، سعی در تهی کردن این مجالس از محتوای اصلی آن نمودند و بعضی دیگر با آن موافق و همراه شدند. در این راستا، حرم رضوی به عنوان کانون توجه پیروان اهل بیت، همواره نقش مهمی در نشر و توسعه مراسم آیینی و سوگواری در سرزمین خراسان داشت. در واقع، وجود بارگاه امام رضا علیه السلام در مشهد: این ظرفیت را به خراسان داده بود که همواره نگاه اجتماعی و سیاسی مردم و حکومت‌ها، معطوف به تحولات فرهنگی خراسان و به‌خصوص مشهد باشد.

در فرازهایی از دوران قاجار، کشور رنگ مذهبی به خود گرفت و بیشتر شاهان قاجار در ظاهر گرایش‌های دینی داشتند و با انجام فرایض دینی و ساخت و بازسازی مکان‌های مذهبی و احترام به مقامات روحانی، اظهار دین‌داری می‌کردند. با این حال، چگونگی رویکرد سیاسی حاکمان قاجار و عوامل اجرایی در برگزاری مراسم آیینی و سوگواری در شهر مشهد: نیاز به بررسی بیشتر دارد. علاوه بر آن، عوامل قابل ملاحظه دیگری در تحول مراسم آیینی و سوگواری در این شهر مؤثر بوده است که باید به آن توجه ویژه گردد.

درباره چگونگی مراسم آیینی و سوگواری در دوره قاجار (۱۳۰۴-۱۱۷۴) پژوهش‌هایی صورت گرفته است. برای نمونه، صادق همایونی به بررسی مراسم تعزیه در دوره قاجاریه پرداخته است و آن را به عنوان نمونه مراسمی آیینی مورد واکاوی قرار داده است.^۱ موسی حقانی در هنگام توجه به اوضاع سیاسی دوره قاجار، اشاراتی به تأثیر مؤلفه سیاسی بر مسائل فرهنگی این دوره دارد.^۲ عنایت‌الله شهیدی در تحقیقی با عنوان پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجاریه به زوایای برگزاری مراسم سوگواری در دوره قاجار توجه کرده است.

۱. همایونی، تعزیه در ایران، ص ۷۰-۱۵۰.

۲. نجفی و حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۱۳۵-۱۹۰.

هم‌چنین، حسین معتمدی در کتابی با عنوان عزاداری سنتی شیعیان در ایران و جهان، جمشید ملک پور در اثری با عنوان سیر تحول مضامین در شبیه خوانی، (تعزیه) و سمیه عباسی در مقاله‌ای با عنوان بررسی سیر تطور مراسم سوگواری شیعه در عصر قاجار با تکیه بر سفرنامه‌های غربی به بررسی برخی از نمادهای مراسم آیینی و سوگواری در دوره قاجار پرداخته‌اند. در واقع، تاکنون تحقیق مستقلی در مورد تبیین عوامل مؤثر در جهت‌گیری و تحول مراسم آیینی و سوگواری ایران در دوره قاجار با تاکید بر مشهد صورت نگرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر در تلاش است ضمن توجه به رویکرد حاکمان قاجار نسبت به مراسم آیینی و سوگواری در مشهد: دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار را در تحول مراسم آیینی و سوگواری در مشهد بررسی کند.

۲. نگاهی اجمالی به جغرافیای تاریخی خراسان و شهر مشهد در دوره قاجار

با بررسی متون تاریخی مشخص می‌شود که همواره میان جغرافی دانان و مورخان در مورد حدود و ثغور خراسان اختلاف آرا وجود داشته است. برای نمونه، بعضی از آنان مانند ابن خردادبه (۵۳۰ ق.)، قدامه (۵۳۱۰ ق.)، یعقوبی (۵۲۸۴ ق.)، ابن رسته (۵۲۹۳ ق.) و ابن فقیه (۵۳۳۰ ق.) و ولایات خوارزم و ماوراءالنهر را جزئی از قلمرو سرزمین خراسان بزرگ می‌دانند^۱ و برخی دیگر، هم‌چون اصطخری (۵۳۴۰ ق.)، جیهانی (۵۹۲۵ ق.)، ابن حوقل (۵۳۶۷ ق.) و مقدسی (۵۳۸۱ ق.) مرزهای شمالی خراسان را به ماوراءالنهر محدود می‌کنند و سرزمین‌های جنوب منطقه جیحون را خراسان می‌نامند.^۲ شاید دلیل

۱. ابن خردادبه، مسالک و ممالک، ص ۱۷؛ یعقوبی، البلدان، ص ۲۷۸؛ ابن رسته، الاعلاق النفیسه،

ص ۱۰۲؛ قدامه، الخراج و صناعة اکتابه، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. اصطخری، مسالک و ممالک، ص ۲۰۲؛ جیهانی، اشکال العالم، ص ۱۶۷؛ ابن حوقل، سفرنامه،

ص ۱۶۲؛ مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۱، ص ۳۲۲.

عمده این اختلاف آراء، تغییرات ناشی از تحولات سیاسی بوده است که در دوران‌های مختلف در مرزهای خراسان روی داده است.

پس از حکومت صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق.) و هجوم افغان‌ها (۱۱۴۳-۱۱۳۵ ه.ق.) در تقسیمات و چگونگی اداره کشور تغییراتی حاصل شد که این تغییرات شاخص‌های قومی، جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و مردم‌شناسی این مناطق را از هم جدا می‌کرد (گسستگی در عین پیوستگی). با روی کار آمدن نادرشاه افشار (۱۱۶۰-۱۱۴۸ ه.ق.) بر اهمیت و رونق خراسان و به خصوص مشهد و کلات افزوده شد، اما در عصر قاجار، جغرافیای خراسان در پی جنگ هرات (۱۲۴۹ ه.ق.) تغییر کرد و بخشی که در مغرب هریرود واقع بود به ایران و قسمت دیگر به افغانستان ضمیمه گردید. هم‌چنین، در سال ۱۲۶۱ ه.ق. شمال خراسان تا کنار جیحون به وسیله روسیه تزاری تصرف گردید. در واقع، جمهوری ترکمنستان بین دریای خزر و رود جیحون از خراسان جدا شد.^۱ به این ترتیب، ایالت خراسان در تشکیلات اداری اواخر عهد قاجاری، فقط کمتر از نیمی از ولایات خراسان قدیم را شامل می‌شد.

کنت دوسرسی (د. ۱۸۹۶ م.)^۲ نام ده ایالت ایران دوره قاجار را بر می‌شمارد که خراسان با مرکزیت مشهد: یکی از این ایالات است.^۳ فلاندن^۴ (د. ۱۸۸۹ م.) هم که از همراهان دوسرسی بود، مشهد را جزو بزرگ‌ترین شهرهای ایران می‌داند.^۵ در واقع،

۱. مدیر شانه چی، حدود خراسان در طول تاریخ، ص ۱۶۳.

۲. contede sercey، سفیر فوق العاده فرانسه می باشد که برای یک ماموریت سیاسی در حدود سالهای ۱۲۵۵ هجری در زمان محمدشاه قاجار به ایران آمده است.

۳. دوسرسی، ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م، ص ۱۰۸.

4. Jean flandin.

۵. فلاندن، سفرنامه، ص ۳۳۶.

اصطخری^۱ و ابن حوقل^۲ از نخستین کسانی هستند که نام مشهد را در کتاب‌های خود می‌آورند. ابن بابویه قمی (د. ۳۲۹.ه.ق.) هم در ماجرای شهادت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام (ش. ۲۰۳.ه.ق.) و دفن وی در سناباد توس از این محل یاد می‌کند.^۳ هم‌چنین، مقدسی (د. ۷۴۴.ه.ق.) در کتاب *احسن التقاسیم* از واژه مشهد الرضا استفاده می‌کند.^۴ از نظر برخی، مشهد اسم مکان از ریشه شهادت است و به معنای شهود، حضور، محل شهادت و مدفن شهید است.^۵

در عهد قاجار به دلایل سیاسی، اقتصادی و مذهبی و رقابت‌های کشورها و دولت‌های اروپایی بر سر ثروت هندوستان، مشهد گسترش و رونق ویژه‌ای پیدا کرد و در تقسیمات سیاسی در ردیف شهرهای مهم کشور قرار گرفت. دیدگاه‌های مختلفی در باره جمعیت مشهد در دوره قاجار وجود دارد. کینیر^۶ (د. ۱۸۵۲.م.) صاحب منصب همراه سرجان ملک‌م (د. ۱۸۳۳.م.) جمعیت مشهد را پنجاه هزار نفر می‌داند.^۷ هم‌چنین، فریزر^۸ (د. ۱۸۵۶.م.) جمعیت را چهل هزار نفر^۹ می‌داند. کرزن^{۱۰} (د. ۱۹۲۵.م.) در این باره می‌نویسد:

۱. اصطخری، *مسالك و ممالک*، ص ۲۰۵.

۲. ابن حوقل، *سفرنامه*، ص ۱۴۹.

۳. ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا*، ص ۲-۱۶۶.

۴. مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ج ۲، ص ۱۵۵.

۵. دهخدا، *لغتنامه*، ذیل مشهد.

6. Kinnear.

7. Sir Gohn Malkolm.

۸. اعتماد السلطنه، *مطلع الشمس*، ج ۲، ص ۱۴.

9. Fraser.

۲۲. همان، ص ۳۱.

۱۱. Lord Curzon از سیاست‌مداران و رجال معروف بیست و پنج سال نخست قرن

بیستم در بریتانیا و ایران‌شناس بود و به ایران هم سفر داشت.

سالانه صد هزار زائر به مشهد می‌رود که همیشه پنج تا هشت هزار نفر

زائر در آن جا مقیم هستند.

کانالی^۱ (د. ۱۲۶۱ م.) هم در سال ۱۲۴۶ ق. مدعی بود که در هر سال، حدود صد هزار زائر از مشهد دیدن می‌کنند.^۲ البته، شاید قراردادهای ایران با روسیه و جدایی افغانستان از ایران سبب آمدن این مهاجران به مشهد شده باشد. رنه دالمانی^۳ (د. ۱۸۹۹ م.) دلیل افزایش جمعیت را عدم شورش داخلی در مشهد و اطاعت ایلات از قدرت مرکزی می‌داند.^۴

۳. نقش حکومت قاجار در تحول مراسم آیینی و سوگواری در مشهد

ظرفیت و کارکرد اجتماعی مجالس سوگواری شیعیان، طمع بهره برداری سیاسی سیاست پیشگان، فرصت طلبان و حاکمان جاه طلب را برمی‌انگیخت. می‌توان چنین گفت که این مجالس، کمابیش طی روند و فرآیند استحاله از یک ابزار قدرت‌مند اعتراضی و عدالت خواهانه به ابزار سیاست‌بازی شاهان مبدل شدند و در نتیجه، قدرت انقلابی پیشین خود را تا اندازه‌ای از دست دادند. در حقیقت، آغاز این روند را باید قیام عباسیان (۶۵۶-۱۳۲ ه.ق.) به رهبری ابومسلم خراسانی علیه امویان دانست.^۵ با این توضیح، پرسش‌هایی هم‌چون آیا حکومت قاجار از مراسم آیینی و سوگواری بهره برداری سیاسی می‌کرد؟ و اگر چنین بود، تأثیر این بهره برداری سیاسی در چگونگی برگزاری مراسم چه بوده است؟ مطرح می‌شود. به‌طور کلی در دوران قاجار، سوء استفاده‌هایی از مراسم آیینی در اشکال مختلف صورت می‌گرفت. عبدالله مستوفی (د. ۱۳۳۹) در این باره می‌نویسد:

۱. Canali از جهانگردان انگلیسی است که از ایران دیدن نمود.

۲. ماهوان، تاریخ مشهد الرضا، ص ۲۸۱.

3. Dallemani.

۴. دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیار، ص ۶۱۸.

۵. دینوری، اخبار الطوال، ص ۳۶۰.

در دوره مشروطه، دسته گردانی برای انتشار اسم و کیل و وزیر سهل است،

حتی برای نیل به مقام سلطنت هم وسیله گردید.^۱

در واقع، می توان توجه ویژه برخی شاهان قاجار به تعزیه را که فارغ از ارزش هنری آن، همواره عاملی مؤثر در عرفی کردن روایت واقعه عاشورا و تخدیر توده شیعه بوده است بر همین مبنا ارزیابی کرد. عاشورا و مهم ترین جلوه آن، سوگواری به سبب ماهیتش با فطرت انسان ها و روحیه آزادگی و ظلم ستیزی ایرانیان سازگار بود. بنابراین، طبیعی بود که به وسیله حکومت قاجاریه به انحراف کشیده شود و کارکرد ظلم ستیزی خود را از دست دهد.

بیشتر شاهان قاجار تلاش می کردند در ظاهر، چهره ای مذهبی از خود نشان دهند. آنان خود را متعهد به حفظ حدود و قلمرو دین معرفی می کردند تا در نظر توده ها از مشروعیت دینی برخوردار باشند.^۲ در نتیجه این سیاست دینی، مراسم آیینی و سوگواری به ویژه عزاداری حسینی به منزله ابزار قدرت در اختیار پادشاهان قرار گرفت. این موضوع سبب گردید تا حدودی از وجه قدسی این مراسم کاسته شود. به طور کلی، اغلب شاه و اشراف قاجار با مشارکت در این نوع عزاداری ها می خواستند توجه، علاقه و احترام مردم را به خود معطوف دارند و مقام و موقعیت سیاسی و اجتماعی خود را در جامعه تثبیت کنند.^۳ این موضع موجب یک نوع تحول در چگونگی برگزاری مراسم آیینی و سوگواری شد.

بررسی ها نشان می دهد، سیاست دینی بیشتر شاهان قاجار در برخورد با مذهب و علمای مذهبی این بود که خود را پشتیبان مذهب شیعه نشان دهند. از این رو می کوشیدند با نشان دادن علاقه به آداب و رسوم و سنت های مذهبی، حمایت علمای مذهبی را در

۱. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲. هدایت، تاریخ روضه الصفاى ناصری، ص ۸۰۷۹.

۳. شهیدی، پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران، ص ۱۰۷.

توجیه و تأیید سلطنت خود به دست آورند. در واقع، شکوه مجالس تعزیه‌ای که شاه و حاکمان آن را برپا می‌کردند^۱، آنان را در لوای پرچم اسلام پناهی قرار می‌داد و مردمی که مراسم عزاداری را به نظاره می‌نشستند، شاه را با تمام ظلم و استبدادش، مرید اهل بیت علیهم‌السلام می‌یافتند که در توسل به آنان با ایشان اشتراک عقیده دارد.

حکومتی شدن مراسم عزاداری، تأثیر مستقیمی در نحوه برگزاری آن گذاشت. این تأثیر به گونه‌ای بود که در بسیاری از جنبه‌های برگزاری آن، تحولاتی را به وجود آورد. در واقع، مراسم آیینی و سوگواری مجال مغتنمی برای دستگاه حکومت فراهم می‌کرد تا به کمک نمایش سرسپردگی به اسلام، جایگاه سیاسی و اجتماعی خود را تبلیغ و تحکیم کند. حتی فردی، مانند امیرکبیر (۱۲۳۰ ه.ق.) که به نقش کارکردی مراسم آیینی و سوگواری واقف بود، هرگز شاه قاجار را از ابزاری کردن این مراسم در جهت تحکیم قدرت سیاسی برحذر نداشت.^۲

بی‌تردید حکومتی و سیاسی شدن مراسم آیینی و سیاسی، زمینه‌ای برای ایجاد تحول در شکل برگزاری آن بود. باید توجه کرد که سلطه مطلقه شاه و دستگاه سلطنتی، هنگامی که با قدرت و نفوذ قشر مذهبی در این عهد می‌آمیخت، می‌توانست پایه‌های اقتدار خود را به بالاترین درجه برساند، اما نباید پنداشته شود که توجه و علاقه شاهان قاجار و اشراف به مراسم سوگواری، فقط جنبه سیاسی و مصلحتی داشت. برای نمونه، ناصرالدین شاه از شاهانی بود که می‌توان بخشی از توجه وی به مراسم آیینی و سوگواری را ناشی از اعتقاد شخصی او به مذهب تشیع دانست. در عهد ناصری، روز غدیرخم و اولین بار زادروز

۱. الگار، دین و دولت در ایران، ص ۸۸-۸۹.

۲. آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۱۸۶؛ آشتیانی، عبرت نامه، ص ۱۶۳؛ روزنامه ایران، ۱۹۰۰، نمره

امام علی علیه السلام از طرف حکومت به طور رسمی در گروه جشن‌های ملی قرار گرفت.^۱ هم‌چنین، روز ولادت امام زمان (عج) از سال ۱۲۷۳ ق. عید رسمی اعلام شد.^۲ در واقع، ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ه.ق.) خود را از سرسپردگان امام علی علیه السلام معرفی می‌نمود و علاقه ویژه‌ای به امام اول شیعیان ابراز می‌کرد. این امر را می‌توان به تمایل او برای مقتدر نشان دادن خود از طریق انتساب به حضرت امیر علیه السلام نسبت داد.^۳ با این حال، باید گفته شود که مجالس سوگواری به حدی طمع سیاست‌بازان را برانگیخت که نوع نگارش و اجرای مجالس تعزیه فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ه.ق.) و تعزیه ناصرالدین شاه، داستان ترور وی به وسیله تعزیه گردانان دربار قاجار^۴ و راه اندازی دسته‌های عزا به مناسبت مرگ شاهان قاجار^۵، رنگ و بوی سیاسی داشت.

مشهد یکی از شهرهای بسیار مهم در دوره قاجار بود. اهمیت جایگاه مذهبی شهر را در فرمان فتحعلی شاه به عباس میرزا (۱۲۴۷ ه.ق.) در هنگام لشکرکشی به خراسان می‌توان دریافت.^۶ هرگاه مناسبات ایران با عثمانی در دوره قاجار رو به تیرگی می‌رفت به دلیل سختگیری و ایجاد مشکل برای زوار عتبات عالیات به وسیله عثمانی، جمعیت زوار رضوی خراسان افزایش می‌یافت.^۷ افزون آن که مشهد بارها مورد بازدید شاهان قاجار قرار گرفت که هر بار بر وسعت و شکوه بارگاه امام رضا علیه السلام می‌افزودند. برای نمونه، هنگام

۱. اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۱۷۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۷۹.

۳. امانت، قبله عالم ناصرالدین شاه و پادشاهی ایران، ص ۱۱۷.

۴. همایونی، تعزیه در ایران، ص ۴۵.

۵. ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۲، ص ۶۱.

۶. ر. ک: ناطق، عباس میرزا و فتح خراسان، ص ۵۷.

۷. اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، ج ۲، ص ۲۴۱.

سفر آقا محمد خان قاجار (۱۲۱۱-۱۲۰۹ ه.ق.) در سال ۱۲۱۱ ه.ق. و فتحعلی شاه در سال ۱۲۱۶ ه.ق. علاوه بر تعمیر اماکن عمومی مشهد، مدرسه‌ای به نام میرزا جعفر در آن‌جا بنا شد.^۱

در دوره قاجار، حکومت، دربار، اعیان و اشراف تعزیه خوانی‌های عمومی را تشویق و حمایت می‌کردند و به برگزاری این مراسم می‌پرداختند. بر این اساس، آماده سازی تکایا، محل‌های معین و خانه‌های شخصی اعیان در مشهد برای برگزاری مراسم آیینی و سوگواری رو به افزایش بود.^۲ در واقع، این موضوع سبب نوعی تحول در شکل برگزاری این مراسم شد. به عبارت دیگر از آن‌جا که پیش‌تر، مراسم آیینی و سوگواری در مشهد در میان طبقه پایین جامعه دارای اقبال بود با ورود اشراف‌زاده‌های قاجاری به عرصه برگزاری این مراسم،^۳ هم شکل و هم نمادهای این مراسم تغییر یافت. بیضایی (د. ۱۳۸۱ ه.ق.) در این باره می‌نویسد:

تعزیه به دلیل حمایت شاهان و نیز طبقه جدید مرفه بازرگان و سیاسی دامنه

دارتر شد.^۴

اشراف با برپایی سوگواری در منازل خود، ضمن نشان دادن احساس و اعتقاد مذهبی خود به مردم، موقعیت اجتماعی سیاسی خود را به نمایش می‌گذاشتند و وجهه‌ای در میان مردم کسب می‌کردند.^۵ یکی از این تحولات، آن بود که والیان و حاکمان نواحی مختلف

۱. همان، ج ۲، ص ۳۸-۳۵؛ خانیکوف، سفرنامه، ص ۱۱۹، ۲۸۶.

۲. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۲، ص ۲۸۸؛ شهیدی، پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی، ص ۱۰۶.

۳. اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۳۶۰.

۴. بیضایی، نمایش در ایران، ص ۱۲۲.

۵. شهیدی، پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی، ص ۱۰۹.

خراسان در اعیاد یا سوگواری‌های رسمی در خانه روحانیان قدرت‌مند و صاحب نفوذ حضور می‌یافتند. این در حالی بود که عده انگشت شماری از روحانیان به همراه طلاب روانه دارالحکومه می‌شدند و هدایایی از حاکم دریافت می‌کردند.^۱

اولین بار در عصر قاجار، ناصرالدین شاه نسبت به برگزاری مجلس سلام خاص در حرم مطهر اقدام کرد.^۲ افضل الملک در سال ۱۳۰۱ ه.ق. از برپایی مجلسی مشابه در دارالضیافه خبر می‌دهد.^۳ هم‌چنین، مواردی چون احکام انتصاب، ابقای مناصب مرتبط با مراسم، مکاتبات مربوط به موقوفات فرامین مربوط به اظهار لطف و قدردانی، احکام صادر شده از سوی شاه به متولیان در خصوص تأمین وسایل مورد نیاز حرم، تخفیف مالیاتی برای دکان قصابی مصارف مهمان‌سرای حضرتی از سوی والی خراسان، حسام السلطنه (۱۲۷۰-۱۲۶۷ ه.ق. / ۱۲۷۵-۱۲۷۲ ه.ق.)^۴، مداخلات حاکم ایالتی در امور محوله به تولیت آستانه^۵ همگی به تعاملات حکومت مرکزی و مرتبطین این مراسم در مشهد اشاره دارد.^۶

قوام السلطنه (۱۳۳۵ ه.ق.) حاکم خراسان در کلیه امور آستانه قدس مانند پرداخت امور کارکنان، بدهی مستأجرین املاک موقوفه، سفارش خدمت افراد در آستانه و اجاره املاک

۱. اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، ج ۲، ص ۲۸۸.
۲. مومن، راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی، ص ۱۹۶.
۳. افضل الملک، ظفرنامه عضدی، ص ۱۷۲، ۱۸۱.
۴. معتقدی، فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا قاجاریه، ص ۱۲۵.
۵. همان، ص ۱۲۴.
۶. علیزاده بیرجندی، «مقام منصب تولیت و عوامل مؤثر بر عملکرد متولیان آستان قدس رضوی در عصر قاجار»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال ۳، ش ۶، ص ۱۵۰.

به افراد مورد نظر دخالت می‌کرد.^۱ حتی، میرزا محمدخان قاجار سپهسالار بر روی تپه سلام، سنگ سیاه بلندی نصب نمود و در آن‌جا، زیارت نامه حک کرد.^۲

۴. بررسی دیگر عوامل مؤثر در تحول مراسم آیینی و سوگواری در مشهد

در برخی دوره‌ها، صفویان (۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق.) و قاجاریه (۱۳۰۴-۱۱۷۴ ه.ق.) در پشتیبانی از مراسم آیینی و سوگواری کوشیدند. در واقع، این ظرفیت نهفته در شیعه در یکی از مهم‌ترین دوران‌های تاریخی این مذهب نمود عینی یافت. به گونه‌ای که در هفته پایانی صفر سال ۱۳۱۱ ق؛ یعنی مقارن رحلت پیامبر ﷺ و امام رضا علیه السلام تعداد زائران حرم، شصت تا هفتاد هزار نفر تخمین زده می‌شد.^۳ در واقع، ایالت خراسان و شهر مشهد با توجه به ظرفیت آن به کانونی برای برگزاری مراسم آیینی و سوگواری مبدل شد.

با ملاحظه منابع ادوار میانی عصر قاجار مشاهده می‌شود که با اشغال هندوستان به وسیله قوای انگلیس، ایران و به خصوص ایالت خراسان، جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های استعماری انگلستان یافته بود. اهمیت هندوستان برای انگلیس و لزوم حفظ آن در کنار مطامع استعماری آنان در ایران سبب شد که ایران جولانگاه شبکه‌های اطلاعاتی حکومت هند بریتانیا گردد. برای نمونه، یکی از وظایف سرکنسول انگلیس در مشهد، حل مشکلات هزاران زائر هندی در مشهد بود. در واقع، مشهد پر از زائرانی از کشورهای مختلف بود و مرکز مطلوبی برای مأموران مخفی محسوب می‌شد.^۴

۱. فرخ، خاطرات سیاسی، ص ۷۵.

۲. امین لشگر، روزنامه سفر خراسان، ص ۱۷۸.

۳. خراسان در اسناد امین‌الضرب، ص ۲۸۴.

۴. رایت، انگلیسیها در ایران، ص ۸۲.

در کنار این موضوعات با تحولاتی در سیاست مذهبی خراسان از سوی والیان خراسانی، مانند عبدالوهاب خان آصف الدوله شیرازی (د. ۱۳۰۳.ه.ق.) به سبب اهدافی مانند تعدیل فضای مذهبی خراسان^۱ و با توقیف برخی از علمای مشهد و مهار قدرت روحانیان روبه‌رو هستیم.^۲ این گونه رفتارهای حکومتی، نقش مهمی در چگونگی تداوم و تحول مراسم آیینی بر عهده داشت. البته بعید نیست که دشمنان از طریق حلقه‌های میانی خود مانند سفراء، سیاحان و مستشرقان که برخی هم با شاهان و بزرگان قاجار رابطه خوبی داشتند، اغراض خود را پیاده کرده باشند.

با این حال، اسناد چندانی در این زمینه در دست نیست. سفرنامه‌ها هم، چندان اشاره‌ای به موضوع نمی‌کنند. البته بنا بر سخن شهید مطهری (د. ۱۳۵۸) همیشه اغراض دشمنان، عاملی است که حادثه‌ای را دچار دگرگونی می‌کند و دشمن برای نیل به هدف خود، تغییراتی در متن تاریخ به وجود می‌آورد.^۳ با این مقدمه در ادامه به برخی از مؤلفه‌های که در چگونگی روند تحولات مراسم آیینی و سوگواری در مشهد مؤثر بودند، اشاره می‌گردد.

۱-۴. متولیان

اماکن مقدس زیارتی به وسیله متولیانی اداره می‌شد. متولیان و مقامات مذهبی، علاوه بر وجهه عمومی در نزد مردم از وجهه سیاسی نیز برخوردار بودند و گاهی هم در امور سیاسی مداخله می‌کردند. در واقع، حاکمان تلاش می‌کردند هرچه بیشتر به آنها نزدیک شوند. کمپفر^۴ (د. ۱۷۱۶م.) در این باره می‌نویسد:

۱. اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ص ۲۳۷.

۲. اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله، ص ۱۳۰، ۱۷۵، ۲۴۷.

۳. مطهری، حماسه حسینی، ص ۴۳.

۴. Kampfer. پزشک و جهانگردی آلمانی که به ایران آمد.

مقام و موقع شاه بیشتر با قاضیان و امام‌های مساجد تکمیل می‌گردد تا با

بزرگان و اعیان و یا عمال عالی مقام اداری.^۱

در عصر قاجار برای اداره بهتر امور آستان قدس که تشکیلات وسیعی را در بر می‌گرفت متولی باشی یا ناظر کل، افرادی را به عنوان نماینده خود (نایب التولیه) در تمام تشکیلات آستان قدس منصوب می‌کرد.^۲ در اوایل حکومت قاجاریه، تحت تأثیر سیاست مذهبی شاهان قاجار به ویژه فتحعلی شاه، نفوذ سادات در مشاغل کلیدی آستانه چون منصب نظارت، قائم مقام تولیت، معین النظارة، سرکشیکی و خادم باشی چشمگیر بود، اما در اواخر این دوران، نقش سادات کم رنگ‌تر شد؛^۳ زیرا سیاست شاهان قاجاریه بر انتخاب دولت‌مردان و شاهزادگان و متولیان غیر بومی قرار گرفت.^۴ تنها فردی که از سادات رضوی در اواخر دوره قاجار (۱۳۴۲ق.) به منصب تولیت آستان قدس منصوب شد، محمدعلی رضوی بود.^۵

شاهان قاجار، منصب تولیت عظمی را به عنوان یک منصب رسمی از افتخارات سلطنتی خود می‌دانستند و مقام تولیت را حق شرعی و عرفی خود می‌دانستند.^۶ با توجه به اهمیت تولیت آستان قدس مشهد، بیشتر متولیان با صدور فرمانی به طور مستقیم از طرف

۱. چلکووسکی، تعزیه هنر پیشرو ایران، ص ۱۶۵؛ پژوهش‌های تاریخی و مطالعات فرهنگی

۲. اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، ج ۲، ص ۳۱۸.

۳. احتشام کاویان، شمس الشموس یا تاریخ آستان قدس، ص ۱۰۷.

۴. علیزاده بیرجندی، «مقام منصب تولیت و عوامل مؤثر بر عملکرد متولیان آستان قدس رضوی

در عصر قاجار»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال ۳، ش ۶، ص ۱۵۴.

۵. اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، ج ۲، ص ۳۲۳.

۶. همدانی مستوفی، آثار الرضویة من المنتخبات الصدیقة، ص ۱۳.

سلطان وقت یا وزیر اوقاف و فواید عامه تعیین می‌شدند.^۱ قدرت متولی باشی آستان قدس رضوی، گاه اقتدار والی را تحت شعاع قرار می‌داد.^۲ متولیان‌های آستان قدس رضوی در عصر قاجار عبدالباقی منجم باشی (۱۲۷۰-۱۲۶۷ق.)، فضل الله وزیر نظام (۱۲۷۲-۱۲۷۰ق.)، محمدحسین عضدالملک قزوینی (۱۲۷۷-۱۲۷۲ق.)، جعفرخان مشیرالدوله (۱۲۸۱-۱۲۷۷ق.)، تولیت مجدد عضدالملک قزوینی (۱۲۸۳-۱۲۸۲ق.)، محمدحسین عضدالملک قزوینی (۱۲۸۳-۱۲۸۲ق.)، سعید خان موتمن الملک انصاری (۱۲۹۷-۱۲۹۰ق.)، میرزا حسین خان سپهسالار (۱۲۹۷ق.)، محمدتقی میرزا رکن الدوله (۱۳۰۱-۱۲۹۸. ۱۳۰۸-۱۳۰۶ق.) و عبدالوهاب خان آصف الدوله (۱۳۰۳-۱۳۰۱ق.) بودند.^۳

این متولیان، وظایف مهمی در زمینه‌های مذهبی مانند حضور در مراسم آیینی^۴، جشن و اطعام در ایام ولادت^۵، تعیین قاریان قرآن^۶، مرسوم کردن رسم عیدی به اهل علم و سادات^۷؛ فرهنگی مانند اداره امور مربوط به مکتب خانه‌ها، مدارس و مواجب معلمان^۸،

۱. افضل الملک کرمانی، *ظفرنامه عضدی*، ص ۲۷۱.

۲. رزم آرا، *فرهنگ جغرافیایی ایران*، ج ۹، ص ۹۵۰.

۳. خراسانی، *منتخب التواریخ*، ص ۵۰؛ حسن آبادی، *منصب قائم المقام التولیه در دوره قاجار*، ج ۴، ص ۱۱۷؛ علیزاده بیرجندی، «مقام منصب تولیت و عوامل مؤثر بر عملکرد متولیان آستان قدس رضوی در عصر قاجار»، *تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*، سال ۳، ش ۶، ص ۱۴۸.

۴. موتمن، *راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی*، ص ۳۲۹.

۵. مولوی، *پیش نویس فهرست موقوفات آستان قدس*، ج ۳، ص ۲۳۰.

۶. خراسانی، *منتخب التواریخ*، ص ۵۸۲.

۷. اعتماد السلطنه، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۱، ص ۹.

۸. سند شماره ۱۷۳۹۳/۳، سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

فراهم کردن تسهیلات زیارتی برای زائران؛ عمرانی مانند احداث راه نیشابور به مشهد^۱، تعمیرات بیوتات و مؤسسات وابسته^۲؛ اداری مالی مانند نظارت بر موقوفات و سامان‌دهی آنها^۳، ترتیب خدمات درگاهی و نظم کلیه امور خادمان، فراشان، کفش‌بانان، قاریان قرآن جهت تعیین مواجب نهار و شام در اوقات خدمت^۴، نظارت بر امور مالی آستانه به صورت صدور حواله‌های مربوط به پرداخت بروات اجاره نامه‌ها،^۵ پرداخت حقوق سالانه خدمه و عمال با مبالغ نقدی جنسی^۶، سامان‌دهی امور مالی مربوط به آستان در خصوص جشن‌ها، موقوفات، عزاداری‌ها و مراسم مذهبی^۷، کمک‌های آستان به زائرین در ماه‌های خاص^۸ و بهداشتی، مانند تأسیس دارالشفای رضوی بیمارستان آستان قدس برای بیماران بومی و غیر بومی^۹ داشتند.

معیارهای سیاسی در گزینش متولیان در دوره قاجار سبب شده بود که درباری بودن، پیوند خویشی با شاه و پرداخت رشوه در تصدی منصب تولیت و جلب نظر سلطان مؤثر واقع شود.^{۱۰} بنابراین، افرادی که با این شرایط به این منصب مهم دست می‌یافتند، کارآیی

۱. اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ص ۱۰۳.

۲. رفیعا، دستورالملک، ص ۱۷۷.

۳. اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، ج ۱، ص ۱۰.

۴. بسطامی، فردوس التواریخ، ص ۵۲.

۵. مومن، راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی، ص ۲۶۲.

۶. همان، ص ۲۶۳.

۷. سند شماره ۱۵۴۰۴/۵، سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

۸. سند شماره ۴۰۰۸۱/۱، سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

۹. کاظم امام، مشهد طوس تاریخ و جغرافیای تاریخی خراسان، ص ۴۹۳.

۱۰. اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، ج ۲، ص ۲۹۹.

چندانی در انجام وظایف محوله نداشتند و منافع سیاسی خود را بر هر امری مقدم می‌شمردند.^۱ در نتیجه این عدم آشنایی و ترجیح منافع حکومت برای متولی این نهاد مذهبی عظیم که به عنوان مهم‌ترین پشتیبان مالی و فرهنگی مراسم آیینی به خصوص در مشهد شناخته می‌شد، تأثیراتی بر جای می‌گذاشت.

با این حال، همواره بدین شکل نبود؛ چرا که در کنار این معضلات، تدبیر راهبری برخی از متولیان در گسترش معارف و فرهنگ تشیع و رسوم آیینی در آستان قدس رضوی نقش مهمی ایفا کرده است. به طوری که در کارنامه شماری از متولیان می‌توان اقدامات مذهبی، فرهنگی و اجتماعی آنها را در ایجاد تسهیلات و امکاناتی برای زائران مانند تأسیس مکتب‌خانه، دارالشفاء و تعمیر بیوتات مشاهده کرد. همچنین، علاوه بر تأثیر در اعتلا و ترویج فرهنگ تشیع در رفاه اجتماعی نیز نقش مهمی ایفا می‌کردند که این امر منجر به برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم آیینی و تنوع و تحول رو به پیشرفت و افزایش تجملات و تشریفات در آن می‌شد.^۲

۲-۴. بانیان

در عرف مصطلح سوگواری، تدارک بیننده اصلی و پشتیبان مالی مراسم را بانی می‌نامند. به طور کلی، بانیان را می‌توان به دو دسته حقیقی و حقوقی تقسیم کرد. برگزاری مراسم به وسیله اشخاص حقیقی، سه صورت عمده دارد که به ترتیب اهمیت، اول باید به مجالس بیوت علما اشاره کرد. علما، مراجع و مجتهدان بزرگ و سرشناس از دیرباز به طور سنتی در بیت خود، مجلس عزای مشخصی را ترتیب می‌دهند. در این مجالس روحانیان،

۱. علیزاده بیرجندی، «مقام منصب تولیت و عوامل مؤثر بر عملکرد متولیان آستان قدس رضوی

در عصر قاجار»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال ۳، ش ۶، ص ۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۵۸.

مقلدان، همسایگان و مریدان هر عالم شرکت می‌جویند. در منطقه خراسان هم در اعیاد یا سوگواری‌های رسمی، روحانیان در منزل خود مجلس می‌گرفتند.^۱

البته گاه، مجلس یک مرجع یا عالم دینی نه در بیت او، بلکه در یک حوزه علمیه یا مسجد و حسینیه برگزار می‌شود. این مجالس، نظم خاص زمانی و آیینی دارند. مداحان و واعظان متناسب شأن مجلس انتخاب و دعوت می‌شوند و از آن‌جا که مجلس به عالمی سرشناس انتساب دارد، خود او یا فرزندان و اطرافیانش نهایت مواظبت و دقت را در حسن تشکیل مجلس روا می‌دارند. بر همین اساس، می‌توان گفت که سوگواری در این مجالس، آسیب‌های کمتری دارد؛ زیرا به جهت انتساب و نظارت یک عالم دینی کمتر نقص، ایراد یا تحریفی در آن نفوذ می‌کند.

دومین شکل برگزاری مجالس به وسیله اشخاص حقیقی، ناظر به مجالس بزرگی است که امرا، شاهان، شاهزادگان، درباریان و رجال سیاسی و حکومتی بانی آنها هستند. در بخش‌های قبلی این پژوهش گفته شد که در مقاطعی از تاریخ، مانند عصر صفویان و قاجاریان، یکی از زمینه‌های رقابت و چشم و هم‌چشمی رجال حکومت، برگزاری باشکوه مجالس عزا و به خصوص تعزیه بود.^۲

سومین شکل، مجالسی است که بازاریان بانی آنها هستند. از دیرباز، بازاریان و تاجران متدین به شکل گروهی یا فردی، اصلی‌ترین پشتیبانان مالی و بانیان مجالس سوگواری بودند.^۳ همواره یکی از اصلی‌ترین محل‌های برگزاری مجالس عزای سنتی و حرکت دسته‌ها، بازارها و مساجد داخل آنها بوده است. نفوذ و قدرت تاجران در مشهد دوره قاجار به حدی بود که گاه به خاطر اختلاف یا کدورتی با والی شهر، بازار شهر تعطیل می‌شد و

۱. توسلی، جامعه شناسی دینی، ص ۹۴.

۲. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۲، ص ۱۵۵.

۳. اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۹۴۸.

شورش عمومی در می‌گرفت. شورش گسترده سبب می‌شد که درب‌های حرم رضوی برای چند روز بسته ماند و نافرمانی مردم تا قریب به یک‌ماه تداوم داشت. این امر به دربار هم کشیده می‌شد.^۱

هم‌چنین، رشوه ملک‌التجار به دربار برای تمدید حکومت والی یا تغییر او، گواهی دیگری بر قدرت و نفوذ این طبقه در خراسان است.^۲ این قدرت و نفوذ در سال‌های بعد تا جایی افزایش یافت که به گمان مجدالاسلام کرمانی (د. ۱۳۴۲ ه. ق.)، والی واقعی خراسان در دوره دوم حکومت غلامرضا خان آصف‌الدوله (۱۳۲۴ ه. ق.)، محمد حسن معاون‌التجار بود.^۳ با این اوصاف مشخص است که مراسم برگزار شده به وسیله این بانیان بازاری با نفوذ تا چه حد در جامعه آن عهد اثر داشته است، اما در کنار این بانیان حقیقی، عزاداری در برخی دوران‌ها، بانیانی حقوقی نیز داشته است.

در مقاطعی از تاریخ، دربار شاهی در مقام بزرگ‌ترین بانی مجالس عزا و تعزیه به برگزاری آنها اقدام می‌کرد. برای مثال، اعطای خلعت به افراد مختلف در آستان قدس مانند زیارت نامه خوان باشی^۴، خادم باشی^۵، ملک‌الشعرای آستان قدس^۶ و شاعران^۷ سبب ترغیب ایشان به تداوم و تقویت مراسم می‌گردید. شاه نیز هر وقت به خراسان

۱. همان، ص ۹۷۵.

۲. دانشیار، رساله تحولات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خراسان در دوره قاجاریه، ص ۱۸۱.

۳. مجدالاسلام کرمانی، تاریخ انحطاط مجلس، ص ۱۷۷.

۴. سند شماره ۱۷۷۲۶، سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

۵. سند شماره ۱۸۱۵۵، سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

۶. اسناد شماره ۱۸۲۹۴، ۲۱۵۸۴، سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

۷. سند شماره ۴۳۴۵۳، سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

می آمد به اعیان و معاریف خراسان و خدام آستانه خلعت می داد.^۱ به علاوه، این خلعت بخشی منحصر به اعیاد نبود و در بیشتر ماهها به افراد اعطا می شد.^۲

بعدها اشخاص حقوقی دیگری مانند اصناف، احزاب و گروه‌های محلی، قومی و سیاسی و در نمونه‌های متأخر تشکل‌های مدنی و غیر دولتی هم در جمع بانیان این مجالس در آمدند. به عنوان نمونه در جریان انقلاب مشروطیت، آنجا که مشروطه خواهان ابتدا در مسجد شاه و سپس در محوطه سفارت انگلیس تحصن جستند از روضه خوانی برای الهام بخشیدن و حفظ تعصب دینی استفاده می شد. ناظم الاسلام کرمانی در این باره می نویسد:

روز پنجشنبه محرم ۱۳۲۵ ه.ق مجلس شواری ملی تعطیل است و مردم مشغول عزاداری هستند. جناب آقای ملک المتکلمین و آقای شیخ علی زرنسدی در مجالس روضه، داد سخن دادند و مردم را تحریض و ترغیب به عدالت و حفظ قانون نمودند.^۳

تأمین بخشی از هزینه‌ها مانند تهیه خوراک و پوشاک برای زائران و عزاداران مراسم شهادت امام رضا (ع) در مشهد در سال ۱۲۷۱ ه.ق. به وسیله برخی از بانیان بازاری از همین نمونه است.^۴ به طور معمول، بازاریان در مشهد با وقف چند مغازه برای نگهداری و مرمت تکیه‌ها و برقراری تعزیه بانی می شدند. هم چنین، یک باب حمام، کاروان سرا و بعضی دکان‌ها و املاک برای روضه وقف شده است.^۵ در وقف نامه سیدابوالحسن صاحب

۱. ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه خراسان، ص ۱۹۱.

۲. ر. ک: اخوان، آیین های حرم مطهر، ص ۹۲.

۳. کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۲، ص ۸۷.

۴. همدانی مستوفی، آثار الرضویة من المنتخبات الصدیقة، ص ۱۳۸.

۵. اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، ج ۲، ص ۲۷.

نسب در سال ۱۱۲۹ ه.ق. عایدات دو قریه علی آباد و موسی آباد به روضه خوانی در حرم رضوی اختصاص یافته است.^۱

همچنین می‌توان به تأمین و سامان‌دهی بخشی از امور مالی مربوط به آستانه در خصوص جشن‌ها، موقوفات، عزاداری‌ها و مراسم مذهبی^۲ به وسیله عده‌ای از متمولین اصفهانی اشاره کرد.^۳ این بانیان با اعمال سلیقه خود، منجر به تحولاتی در چگونگی یا شیوه اجرا مراسم می‌شدند. برای نمونه، میرزا محمدرضا موتمن بیشتر مصارف املاکش را برای کمک به قاریان طلاب در سر مقبره‌ها به ویژه مراسم چراغ برات مشهد در اعیاد شعبانیه قرار داده بود.^۴ در مجموع می‌توان گفت که بانیان به تداوم و تحول در مراسم آیینی و سوگواری کمک می‌کردند.

۳-۴. روحانیان

از منظر سیاسی، هدف برخی از علما ایجاد علاقه و بالا بردن آگاهی‌ها نسبت به مذهب تشیع بود. در این محافل و مجالس، واعظان می‌توانستند با موعظه‌های آتشین با استفاده از آیات، روایات و تاریخ حقانیت مذهب شیعه را ثابت کنند و روضه‌خوان‌ها با بیان فضایل و مصیبت‌های وارده بر ائمه می‌توانستند بین قلوب مردم و ائمه طاهرین، رابطه عاطفی برقرار کنند و نسبت به دشمنان آنها، بذر نفرت و عداوت بیفشانند. با این حال در مراسمی چون تعزیه، برگ برنده از دست علما بیرون رفت و این صنف، نقش و جایگاه مجالس روضه خوانی را در مراسم تعزیه نداشتند و سر رشته کار، بیشتر به عوام واگذار شده بود.

۱. سند شماره ۳۴۵۲۸، سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

۲. سند شماره ۱۵۴۰۴/۵، سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

۳. سند شماره ۴۰۰۸۱/۱، سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

۴. همدانی مستوفی، آثار الرضویة من المنتخبات الصدیقة، ص ۱۹۹.

به هر روی، قدرت و نفوذ علما تا سال‌های پایانی ناصرالدین شاه به حدی افزایش یافته بود که به باور افضل الملک^۱ (د. ۱۳۴۸ ه.ق.) که خود چند سال در مشهد و سبزوار، شغل دیوانی داشت، قدرت شریعتمدار متمول سبزوار (۱۳۱۵ ه.ق.) به حدی بود که توان عزل والی خراسان را داشت.^۲ اعطای انگشتر الماس ناصرالدین شاه به سید محمد باقر مجتهد سبزواری (۱۳۱۳ ه.ق.) می‌تواند نشان دیگری از افزایش اهمیت و اقتدار آنها در نزد دولت مرکزی باشد.^۳ رمز مخالفت، عدم تمایل و حمایت برخی علمای مایل به حکومت نسبت به تعزیه، همین مسئله است. مخالفتی که هر از گاهی تا مجالی فراهم می‌یافت، علنی می‌شد و برخی آن را به حسادت علما به بازیگران و بازی‌گردانان تعزیه و تأثیرگذاری و برتری آنان بر خطابه و وعظ نسبت می‌دادند.^۴

از علمای مخالف و منتقد شبیه‌خوانی در این عصر می‌توان به شیخ جعفر شوشتری (د. ۱۳۰۳ ه.ق.)، شیخ هادی نجم‌آبادی (د. ۱۳۲۰ ه.ق.)، ملا محمد تقی برغانی (شهید ثالث) (د. ۱۲۶۳ ه.ق.)، محمدباقر بیرجندی (د. ۱۳۵۲ ه.ق.) و شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطا) (د. ۱۲۲۸ ه.ق.) اشاره کرد.^۵ البته، تساهلی که روحانیون شیعه در مورد نمایش‌های مبالغه آمیز مذهبی مردمی نشان می‌دادند به احتمال، هزینه‌ای بود که باید برای تقویت انسجام تشیع می‌پرداختند. در برابر مراسم آیینی مانند تعزیه، همه علما موضعی یکسان در مخالفت اتخاذ نکردند. برخی ترجیح دادند که با مراعات محبوبیت حکومتی و مردمی این آیین با ملایمت دست به اصلاحاتی مصداقی بزنند، مانند شیخ جعفر مجتهد شوشتری که

۱. مورخ و سفرنامه نویسنده مشهور عصر قاجار است.

۲. افضل الملک، ظفرنامه عضدی، ص ۲۰۵.

۳. حبل‌المتین، ۲۴ محرم ۱۳۱۴ ق، س ۳، ش ۲۳، ص ۱۰.

۴. چلکووسکی، تعزیه هنر پیشرو ایران، ص ۱۹.

۵. تنکابنی، قصص العلماء، ص ۲۸، ۲۴۵.

به گفته اعتماد السلطنه، درباره کذب داستان عروسی حضرت قاسم خوابی دیده بود و شرحی به شاه نوشت که در نتیجه آن، مجلس عروسی قاسم بن حسن در تعزیه‌ها منع شد.^۱

البته برخی دیگر از علما هم، موضع موافق گرفتند یا با سکوت خود زمینه این برداشت را از رأی خود فراهم ساختند.^۲ در این میان، عده‌ای از علما هم رأی مخالف خود را با گذشت زمان تا حد چشمگیری تعدیل کردند. میرزا محمدحسین نائینی (د. ۱۳۵۵ ه.ق.) مرجع تقلید برجسته سرشناس آن زمان شیعیان از این دسته است. وی در بند سوم فتوای مشهوری در تاریخ ۵ ربیع الال ۱۳۴۵ ه.ق. اعلام کرد که از رأی سابقش درباره جواز مقید پوشیدن لباس جنس مخالف عدول کرده است و دیگر اشکالی بر تشبیهات و تمثلات متداول در هیئت عزای شیعیان وارد نمی‌داند.^۳

تنها تعزیه نبود که گاه انتقاد و اعتراض علما و روحانیان تراز اول را موجب می‌شد. بلکه نحوه برگزاری مجالس سوگواری و روضه خوانی هم در مواردی انتقاد علما را بر می‌انگیخت. در این راستا، رساله‌ها و کتاب‌هایی به وسیله روحانیان در بیان وظایف روضه خوانان، مستمعان و بانیان نوشته شد.^۴ با این همه، نقش علما به دخالت در بسیاری از سبک‌های مراسمات آیینی منجر می‌شد.

شاهد مثال، فهرستی است که نویسنده کتاب معروف عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه مشتمل بر اسامی بسیاری از علما و مراجع تحت عنوان جماعتی از اعظام فقها و مراجعین

۱. الگار، دین و دولت در ایران، ص ۲۴۴؛ فقیهی، تاریخ مذهب قم، ص ۲۵۷.

۲. ثقفی، نقش مصلح دینی در خرافه زدایی: عاشورا عزاداری تحریفات، ص ۲۲۷.

۳. نائینی، ذخیره العباد لیوم المعاد، ص ۲۴۵.

۴. قمی، اصلاح سوگواری عزاداری عاشورا تحریفات، ص ۱۶۵؛ حسام مظاهری، رسانه شیعه،

تقلید شیعیان جهان و از متنفذین ساعین در نهی از منکر و مطاعین در ملت و دولت که می دانسته‌اند و می دیدند و می شنیدند دستگاه شبیه و دسته‌جات زنجیر و قمه زنی و مراسم در عزاداری حسین مظلوم علیه السلام را تقریر و امضا و حکم به جواز و استحباب نموده و جلوگیری نفرموده‌اند، می‌آورد و نام جمعی از بزرگان شیعه از علمای سلف تا معاصر را بیان می‌کند.

علمایی چون شیخ حر عاملی (۱۱۰۴.ق.)، شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱.ق.)، شیخ محمدحسین صاحب جواهر (۱۲۶۶.ق.)، شیخ جعفر شوشتری (۱۳۰۳.ق.)، حاج ملا علی کنی (۱۳۰۶.ق.)، شیخ فضل الله نوری (۱۲۸۸.ق.)، آخوند ملا کاظم خراسانی (۱۳۲۹.ق.)، شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۳۵۵.ق.) و بسیاری دیگر در این بخش کتاب نام برده می‌شوند.^۱ هم‌چنین، برخی از علما مانند آخوند ملا آقا بن عابد شیروانی (۱۲۸۶.ق.) معروف به فاضل دربندی و ملا آقای دربندی، نقشی محوری در رواج قمه زنی داشتند.^۲

بنابراین، می‌بینیم در دوره‌هایی تحت تأثیر این امر، قمه زنی در مشهد انجام می‌شد و گاه ممنوع می‌گردید که این امر در بست نشینی نزدیک صحن‌های حرم و منازل علمای مشهد، فراز و نشیب جواز یا عدم جواز داشت.^۳ بارنز در سفرنامه خود به وجود سنت بست نشینی در مشهد و محدوده آن که در بازار زنجیر بود، اشاره می‌کند و ممنوعیت آن را هم تحت تأثیر روحانیان مشهد می‌داند.^۴

۱. نویسنده ناشناس، فتاوی علماء الدین حول الشعائر الحسينیه، ص ۴۵-۸۷.

۲. ربانی خلخالی، عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، ص ۱۰۲.

۳. ماهوان، تاریخ مشهد الرضا، ص ۱۷۲.

۴. پولاک، سفرنامه، ص ۳۲۴.

هم‌چنین، موقوفات به همراه تولیت موقوفات مساجد، مدارس و حسینیه‌های ایالت از مهم‌ترین منابع مالی روحانیان به شمار می‌رفت. مستمری حکومت برای امامان مساجد بزرگ،^۱ وجوهات شرعی، قضاوت در محاکم شرع و روضه خوانی که به ویژه در مشهد به سبب وجود حرم حضرت رضا علیه السلام شاغلان زیادی از بین روحانیان داشت از دیگر منابع مالی روحانیان بود.^۲ این ثروت به این طبقه، قدرت سیاسی می‌داد و آنان در معادلات شهری در ابعاد مختلف تأثیرگذار بودند.

در اسناد آستان قدس به وضوح مشاهده می‌گردد، زائری که انتظار دریافت کمک از محل موقوفات و نذورات آستان مقدسه داشت در صورتی که عریضه وی به تأیید روحانیان می‌رسید یا از اقوام ایشان بود چند برابر بیشتر به او کمک می‌شد که این امر، نفوذ و قدرت این طبقه را در مشهد نشان می‌دهد.^۳ میرزا محمد علی قائم‌التولیه، روحانی معروف و سر سلسله سادات رضوی بود که در سال ۱۳۴۱ ه.ق با پرداخت بدهی‌های آستانه از اموال شخصی خود و برگزاری جلسات هفتگی با هیئت متحده خدام و همکاری حسین آقا خان خزاعی، فرمانده لشکر خراسان توانست، امور آستانه را از وضع سیاق نویسی گذشته به شکل اداری جدیدی درآورد. او تقسیم وظایف می‌نمود^۴ و این گونه در تحول مراسم آیینی که به نوعی در مشهد با آستان قدس پیوند خورده بود، نقش داشت.

۱. آرامجو، بررسی تحولات سیاسی اقتصادی و اجتماعی ولایت قائنات در دوره قاجاریه، ص ۱۱۵.

۲. اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله، ص ۱۷۳، ۱۷۵، ۲۴۷، ۱۳۰، ۹۳، ۱۴۹.

۳. رک: اسناد شماره ۲۳۷۶۳/۵، ۲۳۸۶۲، ۲۴۰۲۴، ۲۳۷۱۰، ۲۳۷۸۰، ۲۳۶۴۸، سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

۴. احتشام کاویان، شمس‌الشموس یا تاریخ آستان قدس، ص ۴۳۸؛ امیرزاده گرو، زیارت و زائران مشهدالرضا، ص ۶۰-۶۲.

روحانی دیگر مشهد، میرزا محمدباقر رضوی، مدرس اول آستان قدس رضوی در جریان مشروطیت از سوی عالمان خراسان به نمایندگی انجمن ایالتی مشهد برگزیده شد. در زمانی که انجمن ایالتی در منزل میرزا برگزار می‌شد، او نیز در آن شرکت می‌جست و به ویژه با فرا رسیدن ایام محرم و صفر با استفاده از بستر سوگواری به بست و گشاد کارها می‌پرداخت.^۱ هم‌چنین، او به مراسم چراغ برات مشهد در نیمه شعبان کمک کرد.

روحانیون اصولی در مشهد، چنان قدرتی داشتند که در خصوص واقعه تحریم تنباکو، رهبری جمعیت معترضان را برعهده گرفتند و شهر را به تعطیلی کشاندند. آنان در سخنرانی‌ها بر استقامت مردم تأکید می‌کردند. جالب است که این رهبران، سه تن از روحانیان نه‌چندان مطرح شهر به نام‌های محمدعلی سبزواری، سید محمد پیش نماز کلاتی و سید احمد بودند. نیروی اصلی آنان از طلبه‌های شهر تشکیل شده بود که موسوم به جندالله بودند و بازاریان موافق با دولت یا بی‌طرف را وادار به بستن مغازه‌های خود می‌کردند.^۲

هم‌چنین، زمانی که میرزا محمد خراسانی مشهور به آقازاده پس از رسیدن به درجه اجتهاد در سال ۱۳۲۵ ه.ق؛ یعنی یک سال پس از پیروزی انقلاب مشروطه به دستور پدر به مشهد آمد در مراسم استقبال از او، همه مؤسسه‌های دولتی و خصوصی و بازار برای احترام تعطیل شد. شماری با مکاری و کجاوه تا شریف آباد طرق و شماری تا نیشابور رفتند و زنان از مزرعه گل ختمی تا صحن امام رضا علیه السلام بین استقبال کنندگان شرکت کردند. محل اقامت ایشان در مشهد نیز به کوچه آقازاده شهرت یافت.^۳

۱. بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ص ۸۴.

۲. امین‌الدوله، خاطرات سیاسی، ص ۱۶۷؛ صفایی، اسناد سیاسی دوران قاجاریه، ص ۴۳.

۳. ر. ک: سایت حوزه نت، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲، ش ۱۱۵، قسمت نهضت مشروطه و سرنوشت سه رویکرد سیاسی علمای مشهد.

در این میان، ملک المتکلمین یکی از خطبای توانا و روشن فکر ایام مشروطیت در اصفهان، تبریز، تهران، شیراز و به خصوص مشهد به منبر می‌رفت. او به تشویق نصیرالملک شیرازی متولی باشی، چند شب در مسجد معروف گوهرشاد منبر رفت و از همان شب اول، شوق و شعفی از طرف مردم پدیدار گشت.^۱ یکی دیگر از رهبران روحانی مشروطه‌خواهی در مشهد، شیخ ذبیح الله مجتهد قوچانی (۱۲۳۵- ۱۲۷۴ ه.ق.) از شاگردان میرزای شیرازی و آخوند خراسانی (۱۲۵۵- ۱۳۲۸ ه.ق.) بود.

هم‌چنین، حاج ملا بمانعلی تهرانی معروف به حاج محقق با مشروطه خواهان همکاری می‌کرد. تهرانی پیوند دهنده علمای تهران و مشهد بود. حاج میرزا ابوالقاسم معین الغرباء، حاج شیخ حسن حجت کاشی، حاج شیخ عبدالرحیم عیدگاهی، حاج میرزا عبدالشکور آقا تبریزی، حاج میرزا محمدباقر مدرس رضوی و میرزا مرتضی سرابی از انقلاب مشروطه در سخنرانی‌های خویش پشتیبانی می‌کردند.^۲ مهم‌ترین بستر ایشان، منبرهایی بود که در مجالس عزا یا اعیاد به عنوان رسانه از آن استفاده می‌کردند.

۵. نتیجه

مراسم سوگواری شیعه در عصر قاجار به سبب اهمیت و توجهی که دولت و مردم به آن مبذول می‌داشتند، دارای شکوه و عظمت خاصی بود. حاکمان قاجار، روحانیان، برخی گروه‌ها و توده مردم از تأثیرگذارترین ابزار مذهب تشیع؛ یعنی سوگواری، بهره‌های فراوانی بردند. تأثیر برخی از آراء، بینش‌ها، اعمال یا طبقات خاص جامعه و مناسبات آن دوران، فراتر از محدوده باور و برداشت‌ها بود که تا به امروز در سطوح دیگری ولی با همان پایه ادامه دارد.

۱. ملک زاده، تاریخ مشروطیت ایران، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۲، ص ۳۳۶.

علل تداوم و تحول مراسم آیینی در مقاله پیش رو، از بعد بازیگران حکومتی و مسائل سیاسی، بیشتر معلول علت‌هایی از درون جامعه عصر قاجار به خصوص جایگاه ایالت خراسان و آستان قدس رضوی بوده است که بررسی و شناخت صحیح آنها و روند این تحول می‌تواند به بسیاری از پرسش‌های مطرح در این زمینه پاسخ دهد. برای نمونه، معیارهایی چون پیوندهای خویشی با شاه، رابطه با صدر اعظم‌ها و درباری بودن در گزینش و انتخاب متولیان آستان قدس رضوی در عصر قاجار تأثیرگذار بود که به رابطه بین دو نهاد دولت و سیاست و دین و مراسم متأثر از زاویه دید حکومتی منتهی گردید. در این بین، روند مراسم آیینی با مبانی و بنیادهای داخلی، بومی و سنتی که تأثیر پذیرفته از عوامل سیاسی، اقتصادی و مذهبی بودند، آشکار شد و در عرصه‌های ابزاری یا هنری و نمایشی که مهم‌ترین غالب آن، پشتیبانی سیاسی پیوند خورده با مذهب، تحت تأثیر حاکمان مذهبی است در پهنه اجتماع، حضور و تداوم یافت.

منابع

۱. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمدشیبانی جرزى، تاریخ کامل، ترجمه حمیدرضا آژیر، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
۲. ابن بابویه، صدوق محمدبن علی، عیون اخبار الرضا، ترجمه حمیدرضا مستفید، تهران: صدوق، بی تا.
۳. ابن تغری بردی، جمال الدین ابی المحاسن یوسف، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، بی جا: وزارة الثقافة والارشاد القومي، ۱۹۶۲م.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی التاریخ الامم والملوک، تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن حوقل، محمد، سفرنامه، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۶. ابن خردادبه، ابواسحق ابراهیم، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: میراث ملل، ۱۳۷۱.
۷. ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسة، بیروت: دار صادر، ۱۸۹۲م.
۸. احتشام کاویان، محمد، شمس الشموس یا تاریخ آستان قدس، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۵۵.
۹. اخوان مهدوی، علی، آیین های حرم مطهر، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۶.
۱۰. اسناد سازمان کتابخانه ها و موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
۱۱. ابراهیم صفایی، اسناد سیاسی دوره قاجاریه، تهران: بی نا، بی تا.
۱۲. عبدالحسین نوایی و نیلوفر کسری، اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله (گزیده اسناد خراسان)، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷.
۱۳. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک و ممالک، ترجمه ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۱۴. اعتضاد السلطنه، فتنه باب، توضیحات و مقالات از عبدالحسین نوایی، تهران: چاپ مسعود سعد، ۱۳۵۹.

۱۵. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
۱۶. _____، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، به کوشش ایرج افشار، چاپ ۷، چاپ ۴، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۹.
۱۷. _____، مطلع الشمس، جلد دوم، تهران: چاپخانه گلشن، ۱۳۶۲.
۱۸. افراسیابی، بهرام، تاریخ جامع بهائیت، نوماسونی، تهران: انجمن، ۱۳۶۸.
۱۹. افضل الملک، غلامحسین خان، ظفرنامه عضدی (زاد المسافر)، به کوشش محمد رضا قصابیان، مشهد: دانشور، ۱۳۸۹.
۲۰. امانت، عباس، قبله عالم ناصرالدین شاه و پادشاهی ایران، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۳.
۲۱. امین الدوله، میرزا علی خان، خاطرات سیاسی، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران: شرکت سهامی کتابهای ایران، ۱۳۴۱.
۲۲. امین لشگر، قهرمان بن یوسف، روزنامه سفر خراسان، به کوشش یوسف افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.
۲۳. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران: بی نا، ۱۳۳۴.
۲۴. آرامجو، علی، بررسی تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ولایت قائنات در دوره قاجاریه، استاد راهنما محمد علی کاظم بیگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، مهر ۱۳۸۹.
۲۵. آژند، یعقوب، نمایش نامه نویسی در ایران از آغاز تا ۱۳۲۰ ه. ش، تهران: نشر نی، ۱۳۷۳.
۲۶. آشتیانی، میرزا محمود تقی، عبرت نامه، (خاطراتی از دوران پس از جنگهای هرات و مرو)، به کوشش حسین عمادی آشتیانی، تهران: مرکز، ۱۳۸۷.
۲۷. بسطامی، نوروز علی، فردوس التواریخ، مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۳۲.
۲۸. بنجامین، س. ج. و، ایران و ایرانیان، ترجمه محمد حسین کرد بچه، تهران: جاویدان، ۱۳۶۳.

۲۹. نویسنده ناشناس، فتاوی علماء الدین حول الشعائر الحسینیه، بیروت: مؤسسه المنبر الحسینی، ۱۹۶۶م.
۳۰. بیرجندی، محمدباقر، کبریت الاحمر فی شرائط المنبر، به کوشش علی رضا ابادزی، قم: صبح پیروزی، ۱۳۸۵.
۳۱. بیضایی، بهرام، نمایش در ایران، تهران: روشنگر و مطالعات زنان، ۱۳۸۷.
۳۲. پروان، بیژن، رژی در مشهد، مشهد: سخن گستر، ۱۳۸۷.
۳۳. پولاک، یاکوب ادوارد، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱.
۳۴. تنکابنی، محمد، قصص العلماء، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
۳۵. توسلی، غلام عباس، جامعه شناسی دینی، تهران: سخن، ۱۳۸۰.
۳۶. توسلی، نصرالله، تاریخ صدساله سبزوار (حوادث سال‌های ۱۲۶۴-۱۳۳۰ ق.)، سبزوار: بی‌نا، بی‌تا.
۳۷. ثقفی، سیدمحمد، نقش مصلح دینی در خرافه زدایی: عاشورا عزاداری تحریفات، به کوشش مجمع محققین و محدثین حوزه علمیه قم، قم: صحیفه خرد، ۱۳۸۵.
۳۸. جهانگیر میرزا، تاریخ نو، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر علم، ۱۳۲۷.
۳۹. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۸.
۴۰. چلکووسکی، پیتر، تعزیه هنر پیشرو ایران، ترجمه داوود حاتمی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
۴۱. حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۴۲. حسام مظاهری محسن، رسانه شیعه، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۷.
۴۳. حسن آبادی ابوالفضل، منصب قائم المقام التولیه در دوره قاجار، به کوشش زهرا طلائی، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.

۴۴. خالقی، روح الله، سرگذشت موسیقی ایران، تهران: صفی علی شاه، ۱۳۷۶.
۴۵. ایرج افشار، نرگس پدرام و مزده مهدوی، خراسان در اسناد امین الضرب (سال‌های ۱۲۸۲-۱۳۵۱ق.)، تهران: ثریا، ۱۳۹۰.
۴۶. خراسانی، محمد هاشم، منتخب التواریخ، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۴۷.
۴۷. دالمانی، هانری رنه، سفرنامه از خراسان تا بختیار، ترجمه فره وشی، تهران: چاپ گیلان، ۱۳۳۵.
۴۸. دانشیار، مرتضی، رساله تحولات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خراسان در دوره قاجاریه، دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۹۴.
۴۹. دوسرسی، کنت لوزان، ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰م، ترجمه دکتر احسان اشراقی، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
۵۰. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، حرف خ، زیر نظر محمد معین، تهران: چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.
۵۱. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۴.
۵۲. رایت، دنیس، انگلیسیها در ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۵۷.
۵۳. ربانی خلخالی، علی، عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، قم: مکتب الحسین، ۱۴۱۵ق.
۵۴. رزم آرا، علی، فرهنگ جغرافیایی ایران، تهران: بی‌نا، ۱۳۲۹.
۵۵. رفیعا، میرزا، دستور الملک، به کوشش محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کرد آبادی، تهران: مرکز اسناد، ۱۳۸۵.
۵۶. روزنامه ایران، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۷۵.
۵۷. روزنامه حیل المتین، کلکته: ۱۳۱۱ تا ۱۳۴۹ق.
۵۸. روزنامه وقایع اتفاقیه، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۷۳.
۵۹. روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، تهران: انتشارات ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹.

۶۰. ریاضی هروی، محمد یوسف، *عین الوقایع*، به اهتمام محمد آصف فکرت، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۶۱. زیبا کلام، صادق، *سنت و مدرنیته (ریشه یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار)*، تهران: روزنه، ۱۳۷۹.
۶۲. سایت حوزه نت، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲، شماره ۱۱۵.
۶۳. سرنا، کارلا، *مردم و دیدنی‌های ایران*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
۶۴. شهابی، علی اکبر، *تاریخچه وقف در اسلام*، تهران: اداره اوقاف، ۱۳۴۳.
۶۵. شهیدی، حمیده، «درویشان بکتاشی در اسناد تشکیلات اداری آستان قدس رضوی از صفویه تا قاجار»، *مطالعات تاریخ اسلام*، تابستان ۱۳۹۶، سال نهم، شماره ۲۳.
۶۶. شهیدی، عنایت الله، *پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجاریه در تهران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
۶۷. شبیبی، کامل مصطفی، *الصلة بین التصوف و التشیع*، بیروت: الموسم، ۱۹۹۱م.
۶۸. _____، *تشیع و تصوف*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، بی تا.
۶۹. صفایی، ابراهیم، *اسناد سیاسی دوران قاجاریه*، تهران: حیران، ۱۳۴۶ش.
۷۰. عزیززاده بیرجندی، زهرا، «مقام منصب تولیت و عوامل مؤثر بر عملکرد متولیان آستان قدس رضوی در عصر قاجار»، *تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*، بهار ۱۳۹۳، سال ۳، شماره ۶.
۷۱. فرخ، مهدی، *خاطرات سیاسی*، تهران: جاویدان علمی، ۱۳۴۵.
۷۲. فقیهی، علی اصغر، *آل بویه و اوضاع زمان ایشان*، تهران: صبا، ۱۳۵۷.
۷۳. _____، *تاریخ مذهبی قم*، قم: اسماعیلیان، بی تا.
۷۴. فلاندن، اوژن، *سفرنامه*، ترجمه حسن نور صادقی، اصفهان: چاپخانه روزنامه نقش جهان، ۱۳۲۴.
۷۵. فوران، جان، *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۷۷.
۷۶. قدامة بن جعفر، *الخراج و صناعة الكتابة*، بغداد: دار الرشید، ۱۹۸۱م.

۷۷. قمی، عباس، اصلاح سوگواری، عاشورا، عزاداری، تحریفات، به کوشش مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، قم: صحیفه خرد، ۱۳۸۵.
۷۸. کاظم امام، محمد، مشهد طوس تاریخ و جغرافیای تاریخی خراسان، مشهد: کتابخانه ملی ملک، ۱۳۴۸.
۷۹. کاظمی پوران، محمد، قیام‌های شیعه در عصر عباسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.
۸۰. کبیر، مقبیل‌الله، آل بویه در بغداد، ترجمه مهدی افشار، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
۸۱. کرزن، جرج. ل.، ایران و مسأله ایران، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۷.
۸۲. الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات طوس، ۱۳۶۹.
۸۳. گلی زواره، غلامرضا، ارزیابی سوگواری‌های نمایی، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۸۴. لمبتون، آن، اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه منیر برزین، مشهد: بی‌نا، ۱۳۴۳.
۸۵. مجد الملک، میرزا محمد خان، «رساله مجدیة»، ارمغان، ۱۳۰۶، سال هشتم، شماره ۹۴.
۸۶. مجدالاسلام کرمانی، احمد، تاریخ انحطاط مجلس، فصلی از تاریخ انقلاب مشروطیت، به کوشش محمود خلیل پور، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۱.
۸۷. مدیر شانه چی، کاظم، حدود خراسان در طول تاریخ، تهران: دانشکده الهیات، بی‌تا.
۸۸. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، چاپ ۵، تهران: زوار، ۱۳۸۴.
۸۹. مطهری مرتضی، حماسه حسینی، تهران: صدرا، ۱۳۸۱.
۹۰. معتقدی، ریابه، فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا قاجاریه، مشهد: آستان قدس، ۱۳۸۷.
۹۱. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
۹۲. ملک زاده، مهدی، تاریخ مشروطیت ایران، تهران: علمی، ۱۳۵۹.

۹۳. منشی، اسکندریبگ، عالم آرای عباسی، چاپ محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
۹۴. مومن، علی، راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۴۸.
۹۵. مولوی عبدالحمید، پیش نویس فهرست موقوفات آستان قدس، ج ۳، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۵۸.
۹۶. ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۶.
۹۷. نایینی، محمدحسین، ذخیره العباد لیوم المعاد، نجف: مطبعة علویه، ۱۳۴۶ق.
۹۸. نجفی موسی، حقانی فقیه موسی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۵.
۹۹. واله اصفهانی، محمدیوسف، خلد برین، چاپ میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۲.
۱۰۰. هدایت، رضا قلی‌خان، تاریخ روضة الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰.
۱۰۱. همایونی، صادق، تعزیه در ایران، تهران: نوید شیراز، ۱۳۶۸.
۱۰۲. همدانی مستوفی، اسماعیل خان، آثار الرضویة من المنتخبات الصدیقة، مشهد: چاپ سنگی، ۱۳۱۷.
۱۰۳. همدانی، محمد بن عبدالملک، تکمله تاریخ طبری، بیروت: کنعانی، ۱۹۸۵م.
۱۰۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۲.